

۳۸۳۸۴۰۴۴-۹۰۴
دانشی ح...
۸۴۱۱۲۷۰۱۱
۱۰۲۳۰۴ شماره پستی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۲۱۷۴

موضوع پایان نامه:

تفکیک قدرت دینی از قدرت سیاسی از منظر

نواندیشان دینی معاصر

استاد راهنما:

دکتر محمد محمدی گرگانی

استاد مشاور:

دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی

نگارش:

فاطمه مظفری نژاد راوری

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد:

حقوق عمومی

۱۳۸۸/۷/۱۸

از خود اطلاعات مدرک عملی بیاورد
شمس مدرک

سال تحصیلی:

۸۷-۸۸

۱۲۱۷۴۳

چکیده:

هدف اصلی این پژوهش تلاش برای تبیین نظرات اندیشمندان مسلمان نوگرا در باب رابطه قدرت دینی و قدرت سیاسی است. در راستای تحقق هدف فوق در فصل اول به بررسی مبانی نظریه تفکیک قدرت دینی از قدرت سیاسی پرداختیم، زیرا در بررسی نسبت دین اسلام با دولت توجه به آن‌ها لازم و ضروری قلمداد می‌شود. جایگاه انسان در نظام خلقت، منابع معرفتی مورد پذیرش نظم سیاسی و گوهر دین از جمله مبانی هستند که اختلاف معتقدین به جدایی دین و دولت و طرفداران حکومت دینی ریشه در آن‌ها دارد. در فصل دوم نتایج حاصل از پذیرش نظریه تفکیک، با توجه به مهم‌ترین سوالات قابل طرح در خصوص دولت، یعنی دلایل لزوم اطاعت از دولت یا به عبارتی مبنای مشروعیت حکومت، غایت و هدف دولت و در نهایت ساز و کارهای اعمال قدرت توسط دولت (قانون) مورد بررسی قرار دادیم.

در بخش دوم به بررسی نظرات اندیشمندان، قائل به نظریه تفکیک قدرت دینی از قدرت سیاسی پرداختیم سعی ما بر این بود در این بررسی بیشتر تلاش خود را بر روی مفاهیم ماهوی تئوری‌های دولت متمرکز کنیم. در این بخش آراء مهندس بازرگان به عنوان نماینده اندیشه تفکیک بر اساس مصالح و پیامدهای اجتماعی، دکتر حائری به عنوان نخستین تبیین از مشروعیت مردمی با رویکرد فلسفه سیاسی در اندیشه سیاسی شیعه، دکتر سروش به عنوان نماینده دیدگاه معتقد به قرائت‌پذیری متون دینی، علی عبدالرازق متفکر بزرگ مصری به عنوان پیشگام نظریه جدایی دین از دولت و در نهایت آیت الله نائینی به عنوان یکی از نخستین اندیشمندان شیعه نظریه پرداز در خصوص دولت با توجه به مفهوم دولت مدرن مورد بررسی قرار گرفته اند.

فهرست مطالب

۴	سپاسگزاری
۶	مقدمه
	بخش نخست: مبانی و پیامدهای تفکیک قدرت دینی از قدرت سیاسی
۱۶	فصل اول: مبانی نظری تئوری تفکیک
۱۸	۱. انسان در تئوری تفکیک
۱۹	۱-۱ انسان در فلسفه مسیحی.
۲۵	۱-۲ انسان در فلسفه اسلامی
۳۰	۲. ماهیت دین در تئوری تفکیک
۳۰	۲-۱ ماهیت مسیحیت
۳۶	۲-۲ ماهیت اسلام
۴۰	۳. منابع معرفتی در تئوری تفکیک
۴۱	۳-۱ منابع معرفتی در نظام منبعث از مسیحیت
۴۵	۳-۲ منابع معرفتی در نظام سیاسی اسلام.
۴۷	فصل دوم: پیامدهای تئوری تفکیک
۴۸	۱. منابع مشروعیت حکومت
۴۸	۱-۱ منبع مشروعیت مردمی
۵۲	۲-۱ منبع مشروعیت مردمی در اسلام
۵۴	۳-۱ مشروعیت های غیر مردمی
۶۰	۴-۱ مشروعیت های الهی - مردمی
۶۱	۲. منابع وضع قوانین
۶۳	۱-۲ تعریف قانون

۶۵	۲-۲. ماهیت . مبنا وضع قانون
۶۸	۳-۲ مرجع صالح وضع قانون
۷۱	۳. غایت امر سیاسی
۷۱	۱-۳. آزادی
۷۵	۲-۳. رفا
۷۷	۳-۳. امنیت
۸۰	۴-۳. فضیلت

بخش دوم: مبانی و پیامدهای تئوری تفکیک در آراء نواندیشان دینی مسلمان

۸۶	فصل سوم: مبانی تئوری تفکیک در آراء نواندیشان دینی مسلمان
۸۹	۱. جایگاه انسان در آراء نواندیشان دینی مسلمان
۹۰	۱-۱. انسان در اندیشه بازرگان
۹۲	۲-۱. انسان در اندیشه حائری
۹۴	۳-۱. انسان در اندیشه سروش
۹۷	۴-۱. انسان در اندیشه عبدالرازق
۹۹	۵-۱. انسان در اندیشه نائینی
۱۰۱	۲. ماهیت دین در آراء نواندیشان دینی مسلمان
۱۰۱	۱-۲. ماهیت دین در آراء بازرگان
۱۰۴	۲-۲. ماهیت دین در آراء حائری
۱۰۵	۳-۲. ماهیت دین در آراء سروش
۱۰۸	۴-۲. ماهیت دین در آراء عبدالرازق
۱۱۰	۵-۲. ماهیت دین در آراء نائینی
۱۱۱	۳. منابع معرفتی در آراء نواندیشان دینی مسلمان
۱۱۱	۱-۳. منابع معرفتی از منظر بازرگان
۱۱۳	۲-۳. منابع معرفتی از منظر حائری
۱۱۵	۳-۳. منابع معرفتی از منظر سروش
۱۱۶	۴-۳. منابع معرفتی از منظر عبدالرازق

۱۱۹	فصل چهارم: پیامدهای نظریه تفکیک در دیدگاه نواندیشان معاصر مسلمان
۱۱۹	۱. مبانی مشروعیت حکومت در دیدگاه نواندیشان معاصر مسلمان
۱۲۰	۱-۱. مبانی مشروعیت حکومت در دیدگاه بازرگان.
۱۲۳	۲-۱. مبانی مشروعیت حکومت در دیدگاه حائری
۱۲۷	۳-۱. مبانی مشروعیت حکومت در دیدگاه سروش
۱۲۹	۴-۱. مبانی مشروعیت حکومت در دیدگاه عبدالرازق
۱۳۳	۵-۱. مبانی مشروعیت حکومت در دیدگاه نائینی
۱۳۵	۲. ماهیت قوانین در دیدگاه نواندیشان معاصر مسلمان
۱۳۶	۱-۲. ماهیت قوانین حاکم در آراء بازرگان
۱۳۷	۲-۲. ماهیت قوانین حاکم در آراء حائری
۱۳۹	۳-۲. ماهیت قوانین حاکم در آراء سروش
۱۴۰	۴-۲. ماهیت قوانین حاکم در آراء عبدالرازق
۱۴۱	۵-۲. ماهیت قوانین حاکم در آراء نائینی
۱۴۲	۳. غایت امر سیاسی در دیدگاه نواندیشان معاصر مسلمان
۱۴۲	۱-۳. غایت امر سیاسی نزد بازرگان
۱۴۴	۲-۳. غایت امر سیاسی نزد حائری
۱۴۵	۳-۳. غایت امر سیاسی نزد سروش
۱۴۶	۴-۳. غایت امر سیاسی نزد عبدالرازق
۱۴۷	۵-۳. غایت امر سیاسی نزد نائینی
۱۴۹	خلاصه و نتیجه گیری
۱۶۲	منابع و مأخذ

قدردانی

خداوند را شاکرم که به من توفیق عنایت کرد گامی کوچک در مسیری بردارم که از مهم ترین دغدغه های کنونی جوامع اسلامی است. این پژوهش حاصل همکاری و مساعدت اساتید بزرگواری است، که در به ثمر رسیدن تحقیق همراه و همگام من بودند. به خصوص جناب آقای دکتر محمد محمدی گرگانی که عنایت و کمک علمی ایشان در طول تحقیق هموار مددکار من بود. استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی که تذکرات به جا و شایسته ایشان چراغ راه این پژوهش بود. جناب آقای دکتر شجاع احمدوند که صبورانه من را در بهبود کیفیت پایان نامه یاری کردند، بیش از دیگران مورد امتنان و سپاسگزاری من هستند. همچنین باید مسئولان محترم تحصیلات تکمیلی و کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، کتابخانه ملی، کتابخانه دانشگاه امام صادق (ع) و سایر مراکز علمی که ذکر نامشان به اطاله کلام می انجامد تقدیر و تشکر کنم.

در نهایت جا دارد به نحو خاص و ویژه مراتب سپاس و امتنان خود را نثار والدین ارجمندم نمایم. بدون شک نقش بی بدیل پدر و مادرم در همه مراحل تحصیل قابل انکار و اغماض نیست. از

خداوند توفیق سپاسگزاری آن ها را خواهانم. هم چنین به نحوی دیگر از همسر محترمم سپاسگزارم.
او نیز به مثابه همراهی امین و صبور نهایت مساعدت خود را در انجام این تحقیق مبذول داشت. از
خداوند منان برای همه این عزیزان سلامتی و توفیق آرزومندم.

فاطمه مظفری

شهریور ۱۳۸۷

مقدمه

۱- طرح مساله:

با ورود جهان به عصر جدید و آشنایی تدریجی مسلمانان با مفاهیم و ضوابط دولت های مدرن، نسبت بین دین و دولت از مهم ترین مسائل فراروی انسان مسلمان معاصر گردید. این مساله زمانی جدی تر شد که اجراء برخی از دستاوردهای دولت مدرن به عنوان سیره عقلاء و عرف زمانه به دولت های مسلمان فرض شد، در حالی که برخی از این مفاهیم با بخش های مختلف اسلام به ویژه حوزه شریعت ناسازگار می نمود.^۱ در چنین فضایی عالمان دین برای دفاع و صیانت از گوهر دین به فکر چاره جویی افتادند. در برابر گفتمان اسلام فقاهتی که خواهان اجرای کامل و فراگیر شریعت در عرصه حقوق عمومی است، طرفداران سکولاریسم اسلامی قرار دارند که راه حل را در جدایی حوزه قدرت دینی از قدرت سیاسی باز می جویند. سکولاریسم دینی را در ایران با دو چهره می توان تصور کرد. چهره اول محصول نظریه ها و تفسیرهایی است که نوگرایان دینی تحت تاثیر مفاهیم مدرن از اسلام ارائه می دهند و چهره دوم به احیاء و بازسازی گفتمان سنتی تشیع مربوط می شود، تشیع در دوران طولانی در عین پذیرش مقام سیاسی برای معصومین در عصر غیبت امکان تشکیل حکومت

۱- محسن کدیور، گذر از اسلام تاریخی به اسلام معنوی، www.baztab.com

دینی را منتفی می دانست. هدف ما در این پژوهش بررسی نوعی از سکولاریسم دینی است که در عین بهره گیری از مفاهیم دولت مدرن، به دلیل حضور گسترده و عمیق دین در جوامع اسلامی و جایگاه مهم آن در شکل گیری هویت اجتماعی - سیاسی مسلمانان، ناگزیر به بهره گیری از منابع و نصوص دینی در راه اثبات ادعای خود می باشد. مساله و مدعای اصلی این پژوهش، اول: تبیین تاثیر مبانی معرفتی و شناختی هر متفکر بر شکل گیری تئوری تفکیک است. دوم، بررسی پیامدها و آثار حاصل از پذیرش تئوری تفکیک در مهم ترین ارکان و ساختارهای یک نظام سیاسی می باشد.

۲- اهداف تحقیق:

در بررسی تفکیک قدرت دینی از قدرت سیاسی اهداف زیر را دنبال می کنیم: از نقطه نظر تئوریک و نظری: شناخت مبانی نظری که استحکام و اعتبار تئوری تفکیک را تامین میکند. تئوری تفکیک به عنوان یک نظریه در رابطه با دولت مسبوق و مستند به مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی است. جایگاه انسان در نظام خلقت، منابع معرفتی مورد پذیرش نظم سیاسی و گوهر دین را می توان به عنوان مبانی برشمرد که اختلاف معتقدین به جدایی دین و دولت با طرفداران حکومت دینی ریشه در آن دارد و هدف ما در این پژوهش آن است تا ضمن بررسی مبانی معرفتی و هستی شناختی تئوری تفکیک، معادل مفهومی این مبانی را در اراء نواندیشان دینی معاصر مورد بررسی قرار دهیم.

از نقطه نظر عملی و کاربردی: شناخت پیامدهای حاصل از پذیرش تئوری تفکیک با توجه به مبنای مشروعیت حکومت، غایت دولت و قوانین حاکم در جامعه به عنوان مهم ترین پرسش هایی که در رابطه با دولت می تواند مطرح شود.

۳- اهمیت تحقیق:

فارغ از عوامل متعددی که منجر به گرایش مجدد متفکرین مسلمان اعم سستی و یا نوگرا به مباحث مربوط به نسبت دین و دولت شده است، امروزه این مباحث علی رغم قدمت طولانی که در جهان اسلام دارد نو و بدیع محسوب می شوند، زیرا این بار بحث در مورد رابطه بین دین و دولت حاصل از فلسفه سیاسی در دنیای متجدد است. بررسی مجدد تقابل دین و دولت و لزوم فراهم آوردن تمهیدات نظری و مبانی تئوریک از سوی اندیشمندان نوگرا باعث گردیده است که مباحثی مثل قرائت پذیری متعدد از متون دینی، اعتقاد به فهم تاریخی دین ... به عنوان مبانی تفکیک مورد توجه واقع شود، که البته تکامل این مبانی تئوریک مستلزم راه دراز و طولانی است، که هنوز در ابتدا آن هستیم. پذیرش لزوم تجدد گرایی در نظام سیاسی اسلام به دلیل بعضی از ضعف ها و نواقصی که نظام سستی دارد مثل اینکه نظریه پردازان مسلمان همواره با این مشکل مواجه می شوند که چگونه میان آزادی و نظم و امنیت یا به عبارت دیگر بین آزادی و اقتدار موازنه برقرار کنند چگونه محدودیت آزادی شوند چگونه خودکامگی حاکمان را مهار کنند. او نیز زایش و ظهور غالب نظریه ها تئوری های سستی دولت در دوران حاکمیت و نهادینه شدن دولت های مطلقه توجیه پذیر است، البته لازم به ذکر است که این امر هرگز به معنای حذف و یا انکار دین در عرصه دولت نیست بلکه به معنای بازبینی این جایگاه و نواندیشی مجدد در مورد چگونگی ارتباط بین دو نهاد دین و دولت است و متفکرین مورد بررسی به فراخور حال با درجات متفاوت بر لزوم و پذیرش جایگاه دین در عرصه دولت و سیاست صحنه گذاشته اند. یکی دیگر از انگیزه های نگارش این تحقیق اعتقاد به لزوم انباشت و نقد و بررسی آراء، برای ظهور نظریه های جدید تر و متکامل تر است چرا که اولاً در عمل امکان تحقق تمامی نظریاتی که از سوی اندیشمندان در باب دولت ارائه می شود وجود ندارد اما در

عین حال هر نظریه ای که در یک جامعه مطرح میشود می تواند دارای جایگاه و تاثیر در نظریه دولت، حاکم آن سرزمین داشته باشد.

۴- سوال اصلی:

تفکیک قدرت دینی از قدرت سیاسی از منظر نوگرایان دین چگونه است؟

۵- فرضیه:

قرائت نوگرایان دینی از اسلام، روایتی اجتماعی و معطوف به اسلامی کردن جامعه است و نه حکومت.

۶- سوالات فرعی:

۱- مبانی نظری تئوری تفکیک و پیامدهای حاصل از پذیرش تئوری تفکیک در حقوق عمومی چیست؟

۲- آراء نوگرایان دینی در باب تئوری تفکیک و پیامدهای آن چیست؟

۷- فرضیه فرعی:

تئوری تفکیک قدرت دینی از قدرت سیاسی مسبوق و مستند به مبانی هستی شناختی و معرفت شناختی است، جایگاه انسان در نظام خلقت، منبع معرفتی مورد پذیرش نظم سیاسی و گوهر دین را می توان به عنوان مبانی برشمرد که اختلاف معتقدین به جدایی دین و دولت با طرفداران حکومت دینی ریشه در این مبانی دارد. نوگرایان دینی از سه منظر مبانی معرفت شناسانه، فلسفه سیاسی و پیامدها و مصالح سیاسی-اجتماعی به نظریه پردازی در باب تئوری تفکیک اقدام نموده اند.

۸- تعریف مفاهیم:

سکولاریسم: اصطلاح سکولاریسم در موارد مختلف و دانشهای گوناگون با کاربردهای مختلف به کار برده می شود در رابطه با دین به این معنی به کار می رود که دیگر نیروی حاکم و تعیین کننده زندگی جامعه نیست بلکه دین نیز یک تخصص یا یک نهاد است در کنار دیگر نهادها و تخصص ها در جامعه، و به قول شاینر سکولاریسم یعنی اینکه جامعه از دست مذهب رها شود. اسکولاریسم برای نخستین بار در مذاکراتی که منجر به صلح وستفالی در ۱۶۴۸ شد توسط یک فرانسوی به کار رفت در اینجا این اصطلاح در مورد سرزمین هایی به کار رفته که اداره ان از کلیسا به مقامات دولتی واگذار شد سرزمین هایی که بیشتر برای جبران خسارت به کلیسا داده شده بود. اما اصطلاح سکولار از دیر باز به معنای دنیوی، در مقابل sacred یا مقدس، در زبانهای اروپایی به کار می رفت و همین معنا همیشه با همین اصطلاح در هر تعریف به نوعی همراه بوده است. با جدا شدن قلمرو دین از علم و تجربی شدن علم اصطلاح سکولار در مورد علوم تجربی بکار رفت. یعنی علومی که دیگر علوم الهی با سرچشمه متافیزیکی نیستند بعدها که نهادهای اجتماعی چون آموزش و سیاست نیز از قلمرو دین خارج شدند و راه مستقل خود را پیمودند این اصطلاح به صورت صفت برای آن ها نیز به کار برده شد. به طور کلی اصطلاح سکولار در مورد نهادهایی به کار برده می شود که اصل را بر دستاوردهای عقلی انسان تا امور مقدس و ماورای طبیعی می گذارند لذا معنی آن بیشتر غیر دینی است تا ضد دینی است، هر چند تنها در امریکا این مفهوم نزد عموم به معنای ضد دینی به کار برده می شود همان معنایی که پاره ای از اروپاییان و ایرانیان از اصطلاح لائیک در نظر می آورند. براین ویلسون پس از یادآوری اینکه مفهوم سکولاریزاسیون فاقد یک تعریف قطعی و مورد اتفاق است چنین گفته است: پدیدهای هم بسته ای که این مفهوم به آنها اشاره دارد طیف اجتماعی گسترده ای را در بر می گیرند.

sheiner larcy "the concept of secularization in impirical research" journal for scientific study of -۱

relgion-6(2)-1967- p. 202-220

وجه مشترک همه آن‌ها عبارت است توسل هر چه کمتر به توضیح و تبیین‌های ماورای طبیعی، توسل هر چه کمتر به منابعی که برای تامین اهداف ماورای طبیعی به کار می‌آید و حمایت هر چه کمتر از اعمال یا فعالیت‌هایی که رابطه با قوای ماورای طبیعی یا اتکا این نیروها را تشویق و ترغیب می‌کند. وی سپس به پاره‌ای دیگر از واژه‌های دیگر که بر همین معنا دلالت دارند اشاره می‌کند و گفته است تعابیر دیگر و کم و بیش محدود تری که به برخی از تحولات همین فرآیند اشاره دارند عبارتند از تقدس زدایی - علمانی یا غیر روحانی کردن و مسیحیت زدایی. سپس ادامه داده است تعبیر سکولاریزاسیون در زبان انگلیسی به خصوص به برچیدن مقامات و مناصب و کارکردهای روحانی، یا به انتقال برخی وظایف و کارکردهای معین هم چون قضاوت، آموزش‌ها و کارکردهای اجتماعی، از روحانیون به متخصصانی اشاره دارد که دیگر احراز شرایط عقیدتی ایشان برای قبول این وظایف و نقش‌ها یا مربوط و مناسب نمی‌نماید. وی در پایان در تعریف سکولاریزاسیون می‌گوید: اگر بخواهیم سکولاریزاسیون را به اجمال تعریف کنیم می‌توانیم بگوییم: فرآیندی است که طی آن وجدان دینی، فعالیت‌های دینی و نهادهای دینی اعتبار و اهمیت اجتماعی خود را از دست می‌دهد و این به این معناست که دین در عملکرد نظام اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود و کارکرد اساسی در عملکرد جامعه با خارج شدن از زیر نفوذ و نظارت عواملی که اختصاصاً به امر ماورای طبیعی عنایت دارند، عقلانی می‌شود. !فارغ از تعاریف مختلفی که امروزه برای سکولاریسم متناسب با علوم مختلف ارایه می‌شود معنی حداقلی مورد پذیرش تمامی مدافعان این واژه، تفکیک نهادهای اجتماعی - به ویژه دولت - از نهاد دین است. امری که مورد توجه ما در این تحقیق است. به جا است در این

۱- الیاده میر چا بمرهنگ و دین (برگزیده مقالات دایره المعارف دین)، هیات مترجمان، (تهران، طرح نو، ۱۳۷۴)

جا برای تعریف، تفکیک نهاد دین از دولت به برخی از نکات حاصل از پذیرش آن در کشورهای سکولار اشاره نمایم تا تصویری روشن تر از این عبارت در ذهن حاصل شود:

۱- در این معنا از وجود یا عدم وجود دین بحث نمی شود بلکه قلمرو آن محدود می شود. ماکس وبر، سکولاریسم را به معنای جدا بودن جامعه دینی از جامعه سیاسی می داند، به گونه ای که دولت حق هیچ گونه اعمال قدرت در امور دینی را ندارد و کلیسا هم نمی تواند در امور سیاسی مداخله کند.^۱

۲- نهادهای عمومی (دولتی) فاقد خصلت دینی هستند یعنی سیاست و کارکردهای آن کاملاً از هرگونه ارجاع به دین و مذهب مبرا است .

۳- تصمیم گیریهای دولتی -در معنای اعم- بر اساس منطق و ضرورت عقل بشری است و نه فرامین الهی و دستورات دین .

۴- ایجاد مفهوم شهروندی در معنای کاملاً مستقل از دین با در نظر گرفتن تمام حقوق و تکالیف مورد نظر برای یک شهروند .

نظریه دولت: نظریه مجموعه منظمی از مفاهیم مرتبط با یکدیگر است که هدف آن تعریف، توضیح و توصیف واقعیت است. ^۲انظرات دولت تئوری هایی هستند که در جهت توضیح ماهیت قدرت عمومی عرضه می شوند، این نظرات حدود و چارچوب های عامی را تعیین می کنند که در درون آن ها قدرت عمومی اعمال می شود. ^۳انظریه های سیاسی محصولات نظام وار ذهن بشر هستند که با جست و جو و تبیین دلایلی برای مشروعیت قدرت دولت، توجیهی از حاکمیت و

۱- میزگرد سکولاریسم، مجله نامه فرهنگ، شماره ۲۱، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۵۰

۲- اندرو وینست، نظریه های دولت، ترجمه حسین بشیریه (تهران: نشر نی، ۱۳۷۶)، ص ۷۰

۳- همان، صص ۳۱۶-۳۱۹

اطاعت شهروندان را ارائه می‌دهند. نظریه‌ها با اعطای مشروعیت به قدرت و حاکمیت، زور و اجبار نهفته در دولت را انسانی و تلطیف می‌کنند. نظریه‌های دولت در اسلام چارچوب‌های مرجعی هستند که به کمک آنها می‌توانیم پدیده‌های سیاسی را ارزش گذاری کرده و احکام متناسب آن را از تعالیم اسلامی استنباط کنیم. نظریه‌ها در صدد توصیف و دسته بندی نظام‌های سیاسی هستند که مردم از طریق آنها هدف‌های خویش را دنبال می‌کنند و توضیح می‌دهند که ساختار و کارکرد دولت‌ها از یک طرف و رفتار افراد و گروه‌ها از سوی دیگر، چگونه در نظام‌های گوناگون متفاوت است.^۱

نواندیشان دینی: فارغ از اختلاف نظرها و ابهاماتی که در مورد واژه نوگرایان دینی وجود دارد منظور ما از نواندیشان دینی در این پژوهش کسانی هستند که دارای باورهای دینی (اعتقاد به توحید، معاد، نبوت...) هستند، زیرا موضوع و مسائله مورد توجه آنها دین است و یکی از عمده ترین ساحات دین هم باور دینی است، اما اختلاف نظر آنها با سایر دین داران در مورد جایگاه و میزان حضور دین در حوزه عمومی است. در واقع این نواندیشان تلاش می‌کنند تا سقف و سطح حضور دین در حوزه عمومی زیست عمومی بشر را با توجه به نظام دانایی نص محور و در عین حال اعتقاد به عقل به عنوان یک منبع مستقل، در دنیای مدرن بازسازی کنند.

۹- روش پژوهش و چارچوب نظری:

نوع تحقیق بنا به ضرورت و ویژگی های موضوع کتابخانه ای بوده است و عمدتاً توصیف اندیشه نوگرایان مسلمان است. با توجه به ماهیت موضوع ناگزیر به مراجعه به منابع فلسفی بوده ایم. در این تحقیق تلاش کرده ایم ارتباط بین فصول و مباحث مختلف وجود داشته باشد به گونه ای که فصل اول اساس و شالوده فصول بعد از خود محسوب شود این پایان نامه شامل دو بخش می باشد که

۲- داوود فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، مجله علوم سیاسی، شماره ۱۴، آبان ۱۳۸۰، ص ۱۳۹

محتوی هر بخش عبارت است از: بخش اول، بررسی جایگاه انسان، ماهیت و سرشت دین، منابع معرفتی به عنوان مبانی تفکیک و غایت دولت، مبنای مشروعیت و مبنای وضع قانون به عنوان پیامدهای حاصل از مبانی تفکیک. بخش دوم، آراء و نظرات مسلمانان نوگرا در باب مبانی و پیامدهای حاصل از تفکیک قدرت دینی از قدرت سیاسی. در این قسمت ما بر آن شدیم که در راستای بررسی آراء نواندیشان دینی معاصر تئوری تفکیک را در دو سطح الف: مبانی تفکیک، ب: پیامدهای تفکیک مورد بررسی قرار دهیم، البته با پذیرش و علم نسبت به وجود رابطه متقابل و دو سویه بین مبانی و پیامدهای حاصل از پذیرش تئوری تفکیک.

مهد پیدایش، تحول و تکامل تئوری تفکیک قدرت دینی از قدرت سیاسی، دین مسیحیت و دولت مدرن می باشد و به زعم بسیاری از اندیشمندان این تئوری مسبوق به شرایط فرهنگی، تاریخی، سیاسی و دینی حاکم بر جوامعی است که امروزه تئوری تفکیک را پذیرفته اند و همین سنت دیرپاست که ابهامات فراوان ناشی از اعمال تئوری تفکیک در جوامع اسلامی را رفع کرده و به این دولت ها این امکان را می دهد که به پشتوانه این سنت بتوانند فارغ از سوالات متعددی که ذهن جوامع اسلامی و دولت های حاکم بر آن ها را در خصوص تئوری تفکیک به خود مشغول کرده است، به اعمال سلطه و حیات خود ادامه دهد. با توجه به عدم وجود سنت و پشتوانه تجربه عملی جوامع اسلامی در خصوص تئوری تفکیک و در عین حال تفاوت ماهوی دین اسلام و مسیحیت و نیز عجین بودن دین اسلام با دولت و حکومت در زمان پیدایش در مدینه النبی،... سبب عدم امکان توسل جوامع اسلامی به مفهوم سکولاریسم یا به عبارتی تئوری تفکیک قدرت دینی از قدرت سیاسی حاکم در دولتها مسیحی گردیده است. بنابراین اندیشمندان نوگرا مسلمان ناگزیر به بومی سازی تئوری تفکیک یا به عبارتی اقدام به نظریه پردازی در خصوص رابطه دین و دولت نموده اند.

موضوع: تفکیک قدرت دینی از قدرت سیاسی

شماره: ۱

بخش نخست:

مبانی و پیامدهای نظریه تفکیک قدرت دینی از قدرت سیاسی

فصل اول

مبانی نظری تئوری تفکیک

پدیده های اجتماعی - سیاسی در پیدایش خودشان به عوامل متعدد و متنوعی تکیه می کنند، اما منحصر کردن یک پدیده اجتماعی به مبانی معینی به دلیل تعلق آن پدیده به علوم انسانی نمی تواند از دلیل محکم و استواری برخوردار باشد. از این رو در باب مبانی نظری تئوری تفکیک در بین تحلیل گران و نظریه پردازان اتفاق نظر قطعی وجود ندارد و هر تحلیل گر از منظر خاص خود و با پیشنهادی خاصی مبانی معینی را برای تئوری تفکیک برمی شمارد. با توجه به هدف ما از این پژوهش یعنی بررسی آراء نواندیشان دینی مسلمان ما بر آن شدیم اموری را به عنوان مبانی تئوری تفکیک مورد بررسی قرار دهیم که برای بررسی نسبت هر دینی با دولت توجه به آن ها لازم و ضروری قلمداد می شود. تئوری تفکیک قدرت دینی از قدرت سیاسی مسبوق و مستند به مبانی

هستی شناختی و معرفت شناختی است. از حیث انتولوژیک و انستولوژیک می توان ۱- جایگاه انسان در نظام خلقت ۲- منابع معرفتی مورد پذیرش نظم سیاسی ۳- گوهر دین را به عنوان مبانی برشمرد که اختلاف معتقدین به جدایی دین و دولت با طرفداران حکومت دینی ریشه در این مبانی دارد تا یک مساله صرفا فقهی که به استناد آیات و روایات و سنت قابل حل باشد.

مروری بر آراء نظریه پردازان جدایی دین از دولت نشان می دهد که مبانی مهم نظری تئوری تفکیک را می توان در سه بعد خلاصه کرد: تحلیل مسائل انسان به عنوان نقطه اشتراک بسیاری از مکاتب و تئوری های سیاسی جایگاه شایسته و قابل توجه ای در تعیین نوع حکومت از سوی نظریه پردازان دارد. و در این میان، هم بحث پیرامون هستی و جایگاه انسان در نظام خلقت، امکان و توانایی بشر برای حل معضلات زندگی سیاسی-اجتماعی، و نقش دولت در سعادت و رستگاری انسان از موضوعات مهم قابل بحث در این عرصه هستند. موضوع دیگری که در تئوری تفکیک از جایگاه و اهمیت ویژه برخوردار است بررسی ظرفیت های دین اسلام برای تحقق جدایی دین و دولت است. و این موضوع تا چه حد با تاریخ جوامع اسلامی همخوان است؟ آیا آنچه در جوامع مسیحی در عکس العمل به عملکرد کلیسا انجام گرفت شامل جامعه اسلامی هم می شود؟ آیا همان خصوصیات کلیسا و نهادهای دینی غرب در جوامع اسلامی هم وجود دارد؟ آیا دین مسیحیت در این زمینه همان خصوصیات را داشت که دین اسلام دارد؟ بنابراین سوال از منابع معرفتی که هر دولت برای پاسخگویی به الزامات ناشی از امر سیاسی به آن متوسل می شود، ارزش معرفتی و میزان یقین حاصل از منابع معرفتی، و جایگاه وحی در میان منابع شناخت؟ از مسائل مهم قابل طرح در این عرصه هستند. از مسائل مهم دیگری که در مباحث مربوط به تئوری تفکیک باید مورد بررسی قرار گیرد فهم ماهیت و گوهر دین است، در این جا متفکر موضع خود را در خصوص جایگاه دین و ارتباط آن با